



# مالکیت آثار باستانی در ایران

علی محمد ظرفداری

سراسر جهان، عمدتاً دوران شناسی اقلیمی و تاریخی و سبک شناسی آثار به جای مانده همه ملت‌ها را، بسیار دقیق‌تر و وسیع‌تر از مراکز دانشگاهی و موزه‌ها می‌دانند. اما در کشور ما به دلیل باقی ماندن فرهنگ استبدادی کهن و تبلیغات پان‌گرایانه ۱۰۰ ساله اخیر، برخورد با این آثار فرهنگی به شدت ناسیونالیستی و راست و اشیاء باستانی ایرانی را تافته جدا بافته نسبت به دیگر کشورهای می‌دانند. ایرانیان اجازه دارند که هر قطعه از آثار کهن؛ مثلاً چینی، هندی و یا یافته‌های قدیم

انسان در رشد و تکامل صنعتی و هنری تمدن بشری می‌داند و مالک چنین آثاری را تمامی بشر می‌شناسد و معتقد است که موزه‌ها در هر شکلی، مکانی برای نمایش هنر و تکنیک همه سرزمین‌ها هستند. این اندیشه اشیاء باستانی را متعلق به دولت نمی‌داند و هر فردی را برای مالکیت و حفظ این آثار صاحب حق می‌شناسد و به شرط این که آثار باستانی را با غضب و زور و سرقت به دست نیاورده باشد. این دیدگاه هر شیئی باستانی را در صورت مالکیت قانونی، بخشی از دارایی افراد،

برخورد با آثار منقول میراث فرهنگی به سه صورت ملی، بین‌المللی و بین‌المللی است. که در تصور بومی آثار مکشوفه در هر مکان جغرافیایی به ساکنان همان خطه تعلق دارد. در این دیدگاه یابنده شیئی کهن در یک منطقه، آن را میراث پدران خود می‌داند و مالکیت بر آن را برای خویش مشروع می‌شناسد.

همچنین در دیدگاه ملی برخی از دولت‌ها (به ویژه در ایران)، آثار مکشوفه فرهنگی کهن را متعلق به خود می‌دانند و آن را میراث ملی می‌نامند. این



شمال آفریقا، تابلوهای نقاشی اروپایی و یادست ساخته‌های قدیمی مصری و آفریقایی و مبلمان‌های عهد لویی چهاردهم فرانسه را در خانه‌هایشان داشته باشند. اما اگر قطعه‌ای از آثار هنری و صنعتی باستانی سرزمین خود را بیابند و یا از راه‌های مشروع به دست آورند از نظر دولت مجرم و قاچاقچی و متجاوز محسوب می‌شوند و از این دیدگاه حتی موزه‌ها و مجموعه داران جهان را به غارت میراث فرهنگی ایران متهم می‌کنند. مثلاً اگر کسی یک گلدان چینی عهد یانگ را در

مثل خانه، اتومبیل، لوازم منزل و یا زیورآلات طلا و نقره به حساب می‌آورد. امروزه این تصور در سطح جهانی پذیرفته شده و حاکم است و از این رو مراکز بزرگ و گالری‌های مشهور جهانی در سراسر جهان به مبادله این اشیاء مشغولند و نه فقط موزه‌ها بلکه مجموعه داران خصوصی نیز اشیاء متعلق به خود را در کاتالوگ‌های کامل معرفی، ارزش‌گذاری و مبادله می‌کنند و نکته جالب این که در حال حاضر دارندگان مجموعه‌های خصوصی در

نگاه، تعریف به خصوصی برای تصور خود از میراث ملی ندارند و نمی‌توانند از نظر حقوق توضیح دهد که چرا اشیاء باستانی باید متعلق به دولت باشد. مثلاً اگر خانواده‌ای یک هاون فلزی و یا ظرفی سفالی و یا نقره‌ای را از سده‌های پیش در درون فامیل خویش دست به دست کرده باشد، چرا این شیء را باید متعلق به دولت دانست و در تصور بین‌المللی این باور رواج دارد که اموال و آثار فرهنگی کهن جز میراث تمدن بشری است و این آثار را به طور عام نشانه‌هایی از تلاش جمعی

خانه نگهدارد، نه دولت ایران معترض اوست و نه دولت چین، اما اگر گلدانی از عهد صفوی را در خانه داشته باشد، کالای قاچاق محسوب شده و مجرم است!

نیز در دوران رژیم گذشته، بسیاری از ثروتمندان و حتی درباریان سرمایه‌های بسیاری را صرف جمع‌آوری آثار فرهنگی ملل دیگر از چین تا شیلی کردند که موجب درآمد گنجینه‌های پربها از آثار کرانه‌های موزه‌ای شد. سرمایه‌ای که در این راه مصرف شد، در صورت فقدان آن بازارهای بین‌المللی، می‌توانست به مصارف بیهوده دیگری برسد که ماندگار نبودند.

### کشف، فروش و خروج در اختفاء

در مجموع می‌توان گفت برخورد‌های پلیسی و اصولاً غیرفرهنگی با دارندگان آثار باستانی به جهات متعدد و به دلیل زیر موجب نابودی آثار باستانی و به ویژه آثاری می‌شوند که به وسیله حفاران غیرمجاز به دست می‌آیند زیرا حفاران غیرمجاز، تمام اقدامات خود را مخفیانه و غالباً در تاریکی شب انجام می‌دهند. این موضوع به نابودی بسیاری از آثار پرارزش غیرمللی، چون سفال و شیشه و غیره می‌انجامد و در نهایت اختفا در شرایط بسیار نامطمئن و نادرست موجب وارد آمدن آسیب‌های جدی به این گونه آثار می‌شود. از طرفی یابنده‌ها از آن‌جا که این اشیاء را مدرک جرم می‌دانند، مایل است در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با حداقل بهای اشیاء یافته‌ها را به اولین متقاضی منتقل کند و در نتیجه این اشیاء عمدتاً به وسیله یابنده‌های پراکنده در دهات و شهرستان‌ها و حتی به وسیله برخی از مأموران انتظامی یا کمترین بهاء جمع‌آوری و به خریدار غیرایرانی فروخته می‌شود. از نظر این خریداران برخورد کنونی دولتی با این آثار در ایران بسیار سودآور و مفیتم است. چنان‌که در حال حاضر با نمونه‌های متعدد رو به رویم و حتی برابر اطلاعات رسانه‌ای، بدل‌سازی‌های آثار باستانی تا حد نود درصد نمونه‌های موجود رشد کرده و موجب اتلاف ثروت بسیاری از علاقه‌مندان آثار باستانی، نزاع‌های منجر به قتل و شکایت‌های فراوانی در دادگستری شده است.

در حال حاضر شاید بیش از آنچه که در مجموعه‌های مراکز دولتی و موزه‌ها عرضه شده، اشیاء باستانی (از کتاب‌های قدیمی و سفال و طلا و نقره و غیره) در خانه‌های مردم سراسر کشور مخفی شده است. در میان آنها چه بسا نمونه‌هایی از هنر دیرین اقوام کهن ایران یافت شود که کاملاً ناشناخته و منحصر به فرد باشند و در صورت اعلام آزادی مالکیت آن‌ها، تمامی این اموال می‌توانند مورد ارزیابی تاریخی و دوران‌شناسی قرار گرفته و به کشف مجهولات تاریخ ایران کمک کند.

### مالکیت آزاد و رسمیت دادن کنترل

شده

مالکیت آزاد و رسمیت دادن کنترل شده به نگهداری آثار باستانی زیر نظر دولت و کارشناسان، به مالکین این آثار انگیزه می‌دهد که در نگهداری، شناسایی و به دست آوردن سند اعتبار آنها بیش از مراکز و موزه‌های دولتی که انگیزه‌ای برای حفظ آنها ندارند بکشند. دولت نیز می‌تواند با ایجاد مراکزی برای بررسی فنی آثار مخفی شده، آمار دقیق‌تری از آثار باستانی ایران به دست آورد و اگر در ایران نیز مثل بسیاری از کشورهای دیگر، گالری‌های موزه و مجازی برای مبادله آثار فرهنگی زیر نظر متخصصان دایر شود، آن‌گاه انبوهی از این آثار که اینک به صورت اشیاء مزاحم نیز درآمده‌اند به عرصه ملی وارد خواهند شد و موجب شناسایی آنها هم فراهم می‌شود. به طوری که دولت و میراث فرهنگی نیز می‌توانند ضمن کنترل این مبادله و نظارت کاملاً تخصصی بر آن، خود نیز برای غنی‌تر کردن موزه‌ها به این عرصه وارد شوند و نمونه‌های آرایه‌شده را تهیه نمایند و همچنین می‌توانند در کشفیات باستان‌شناسی برای جبران کمبودها از سرمایه و تخصص اشخاص علاقه‌مند استفاده کنند.

### جلوگیری از خروج آثار باستانی

بی‌شک ترتیب دادن صحیح سازمان ملی برای وسیع کردن تحقیقات باستان‌شناسی در کشور، با نظارت کارشناسان، نه تنها به جلوگیری از نابودی آثار باستانی در اثر حفاری‌های غیرمجاز

و غیرعلمی و کشف پاسخ مجهولات تاریخی و فرهنگی کمک فراوان خواهد کرد، بلکه این کار بسیار مؤثر، سودمند و سهل‌تر از بگرو و ببندها و تحت تعقیب قراردادن‌های بی‌ثمر خواهد بود که تاکنون فقط منجر به نابودی این آثار و یا فروش آن به خریداران فرصت‌طلب بیگانه با بهایی نازل شده است.

البته معلوم نیست در سرزمینی که پیوسته امتیاز اکتشاف آثار باستانی را با تریبیت نصف به نصف با باستان‌شناسان فرانسوی و انگلیسی و آلمانی و ایتالیایی رد و بدل کرده‌اند، چرا تصور می‌شود که چنین امتیازهایی را نمی‌توان و نباید با علاقه‌مندان، متخصصان و مجموعه‌داران ایرانی منعقد کرد؟

به طور حتم آثار فرهنگی هیچ ملتی و متعلق به هیچ دوره‌ای را نمی‌توان کالای قاچاق و در ردیف مواد مخدر منظور کرد. بسیاری از مردم با فرهنگ ضمن رعایت احترام و حفظ اصالت این آثار برای حظ بصری و لمس آثار هنری گذشتگان آماده‌اند تا بخشه‌ای از دنیای خود را در راه تزیین حفظ آنها هزینه کنند و سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری را پیش بگیرند. باید حرمت این اشخاص را نگهداشت و موجباتی فراهم آورد تا بر هر چه فعال‌تر شدن این فشر راه‌های سالم و قانونی و فنی برای محافظت نگهداشتن و به ارزش واقعی رساندن دست ساخته‌های قدیم به وجود آید.

بنابراین می‌توان اعلام کرد که هر کس اثر قدیمی‌ای را (چه به شکل میراث و یا اشکال دیگر) مالک است، به شرط این که سرعت و یا غصب نکرده باشد، برای ارزش‌گذاری و تعیین صحت و قدمت و دوران‌شناسی به مراکز معینی آرایه دهد، دولت این اشیاء را به ثبت رسانده و برای آن‌ها شناسنامه صادر کند و به مالک آن‌ها اجازه دهد با ارائه شناسنامه رسمی آنها را در گالری‌های رسمی عرضه کند اما اجازه خارج کردن آنها از کشور با دولت باشد و آنگاه معضلات کنونی میراث فرهنگی و تنش‌های ناشی از برخورد‌های ناکارآمد موجود به مقدار زیادی حل و فصل خواهند شد. بی‌تردید برخورد با میراث فرهنگی نیازمند یک وسیع‌نگری بشری و جهانی است نه تنگ‌نظری‌های دولتی و شبه‌ناسیونالیستی.